

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۳

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۴

فرهنگ انتظار در تاریخ اجتماعی تشیع آذربایجان در دوران پیش از صفویه

سیدمسعود شاهمرادی*

چکیده

از جمله مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی تشیع که در زمره باورها و اعتقادات و مراسم شیعیان جای دارد، انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه است که به صورت رسمی خاص در شیعه درآمد، در قالب مراسم‌هایی ویژه بروز و ظهور یافته و در اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی آنها تأثیری در خور توجه بر جای گذاشته است. فرهنگ انتظار در جامعه آذربایجان پیش از صفویه نیز نمود یافته و مبین این امر است که به سبب راه یافتن اعتقادات مبتنی بر ظهور مهدی از قرون نخستین اسلامی تا تأسیس دولت صفوی در اذهان جامعه آذربایجان، رسوم مبتنی بر این اعتقاد و همچنین حرکت‌های سیاسی - اجتماعی متأثر از آن در این ناحیه، همواره از سوی عامه مردم با استقبال روبه‌رو می‌شده است. این پژوهش درصدد است نمودهای فرهنگ انتظار در جامعه آذربایجان در دوران پیش از صفویه را با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کاربرد مطالعات کتابخانه‌ای بررسی کند.

واژگان کلیدی

تاریخ اجتماعی، تشیع، فرهنگ انتظار، مهدی موعود عجل الله فرجه، آذربایجان.

از جمله مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی تشیع، باورها، اعتقادات و مراسمات شیعیان است. از مهم‌ترین باورهای شیعیان که در قالب مراسم‌های خاص بروز و ظهور یافته و انعکاسی در خور توجه در احوال اجتماعی و سیاسی آنها بر جای نهاده است، انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است. تاریخ شیعه امامی با انتظار در آمیخته و همیشه شیعیان در هر زمان انتظار آن را داشته‌اند که قائم در زمان آنان قیام کند. در روایات انتظار از شیعیان خواسته شده تا برای آمدن قائم خود را آماده کرده و به گونه‌ای حاضر باشند که هر گاه آن حضرت ظهور کرد، بدون درنگ با ایشان همراهی کنند. به همین سبب اعتقاد به ظهور منجی بر زندگی شیعیان و نوع رفتار و کنش آنان اثرات بارزی داشته و به صورت رسمی خاص در شیعه درآمده و در قالب‌های گوناگون نمودار شده است. این امر در جامعه آذربایجان در دوران قبل از صفویه نیز هویداست، به گونه‌ای که فرهنگ انتظار و نمودهای گوناگون آن را می‌توان در دو مقطع کلی قبل و بعد از حکومت ایلخانان در این ناحیه مشاهده کرد. اهمیت این امر در رابطه با منطقه آذربایجان از آن روست که گویا کهن‌ترین روایت در زمینه انتظار فرج مربوط به منطقه بزد در آذربایجان است. گزارش‌های مربوط به این مراسم در بزد نشان می‌دهند این رسم از قرن چهار تا اواخر قرن هفت هجری در این منطقه استمرار داشته است. افزون بر این در دوران پیش از ایلخانان مردم ایران و از جمله آذربایجان آرزوهای سیاسی خود در رهایی از ظلم حکام را در قیام‌هایی جست‌وجو کرده‌اند که نشانی از فرهنگ انتظار را همراه خود داشت. این نهضت‌ها که به گونه‌ای واکنش مردم ایران و از جمله آذربایجان در برابر ظلم و ستم حکام زمانه بود، در آذربایجان نیز قابل پی‌گیری و ردیابی هستند. از جمله این موارد می‌توان به حضور آذربایجان در نهضت‌هایی که با توسل به اندیشه موعودگرایی شیعه به نام فردی از خاندان پیامبر که مهدی مورد نظر معرفی می‌گشت، قیام‌هایی که با تکیه بر گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن ویژگی آخرین شخص صالح را معرفی کرده‌اند و با شعار «الرضا من آل محمد» انجام می‌گرفته و نهضت‌هایی که همزمان با قیام عباسیان یا بلافاصله بعد از خلافت آنان آغاز شده و عموماً از جانب ایرانیان با تفکرات وابسته به ایران پیش از اسلام و با عنایت به اندیشه موعودگرایی اسلام به مهدی موعود علیه السلام معطوف بود، اشاره کرد. در دوره بعد از ایلخانان نیز که با عدم ثبات سیاسی و اقتصادی همراه بوده و نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی سبب هرج و مرج گردیده بود، اعتقاد به اندیشه ظهور مصلح کامل، سبب به صحنه آمدن متمهدیانی در آذربایجان و بهره‌برداری آنها از مفهوم انتظار فرج در بین عامه مردم گردید.

پژوهش حاضر درصدد است نمودهای فرهنگ انتظار در جامعه آذربایجان در دوران قبل از صفویه را بررسی کند. گزارش‌های مربوط به رواج فرهنگ انتظار در آذربایجان قبل از صفویه حکایت از این امر دارند که به سبب راه یافتن اعتقادات مبتنی بر فرهنگ انتظار در این ناحیه، حرکت‌های مبتنی بر این اعتقاد در آذربایجان همواره از سوی عامه مردم با استقبال مواجه می‌شده‌اند.

تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی شعبه‌ای از دانش کلی تاریخ است که موضوعاتی چون زنان، خانواده، روابط و ساختارهای خویشاوندی، طبقات و گروه‌های اجتماعی، کشاورزی، زندگی روستایی، اصناف و حرف و به طور کلی ویژگی‌های مناطق برون‌شهری، شهر و شهرنشینی، تغذیه و پوشاک، رابطه ذهنیت‌های جمعی با ساختار دولت یا دگرگونی‌های علمی و فنی و مسائلی از این قبیل را مورد کاوش قرار می‌دهد (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۴). بنابراین می‌توان گفت تاریخ اجتماعی گونه‌ای تاریخ‌نگاری است که نگاهی به وضعیت و سبک زندگی اقشار مختلف مردم دارد و عنصر سیاست از آن عاری است (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۰۲). این نوع از تاریخ‌نگاری فهمی از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث، به گرایش‌های فکری، ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق زندگی عامه مردم به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث تکیه می‌کند. تاریخ اجتماعی برآیند مستقیم مکتب آنال است (بهرامی، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۲) و نکته قابل توجه در آن همان بُعد مقابله آن با تفکر سنتی حاکم بر تاریخ است. در حقیقت رویکرد تاریخ در این شیوه، توده‌ای و مردمی شده و نگاه به لایه‌های زیرین جامعه معطوف می‌شود. تاریخ منهای حاکمیت یا توجه به اقشار پایین جامعه، توجه به روابط میان همه انسان‌ها و به طور کلی «دانش بررسی تاریخ گروه‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی» (انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۵۶۸) بخشی از کارویژه‌های تاریخ اجتماعی را بازگو می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت ویژگی و امتیاز خاص این بعد از مباحث تاریخی، توجه به تاریخ اقشار اجتماعی به جای توجه صرف به تاریخ حکام و پادشاهان است. البته گفتنی است در این نوع تاریخ‌نگاری محقق در بعضی از موارد ناچار است گریزی به سیاست، اقتصاد و نهادهای غیر اجتماعی نیز بزند که بتواند فهم و تحلیل جامعی از مسائل اجتماعی جامعه به دست آورد؛ اما سرانجام در این نوع از تاریخ‌نویسی و تاریخ‌پژوهی سیاست و اقتصاد، حاکم و درباریان محور نیستند. مؤلفه‌های^۱ تاریخ اجتماعی

۱. مؤلفه یعنی آن‌چه شاخص و نمایان‌گر امری باشد (نک: انوری، ۱۳۸۱: ج ۷، ۲۳۴).

عبارت‌اند از: ارتباطات اجتماعی، ساختارها و نهادهای اجتماعی، سبک زندگی، باورها و اعتقادات و مراسم، مشاغل و حرف، نمادها، کالبد و ساختار شهری و نظام آموزش و پرورش.

انتظار مهدی موعود علیه السلام

از جمله مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی، باورها و اعتقادات و مراسم گروه‌های اجتماعی است. از مهم‌ترین باورهای شیعیان که در قالب مراسم‌های خاص نیز بروز و ظهور یافته و تأثیری در خور توجه در اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی آنها بر جای نهاده انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است. انتظار بیش از آن که آموزه‌ای دینی و یا روندی کارکردی باشد، حالت و صفتی فردی و اجتماعی است، حالتی که در آن شخص منتظر به هر تقدیر نگاهی مثبت به سوی آینده دارد. از باورها و اعتقادات بسیار پررنگ شیعیان که برای آنان اهمیتی ویژه داشته، باور و اعتقاد به منجی و ظهور قریب الوقوع مهدی علیه السلام است. تاریخ شیعه امامی با انتظار در آمیخته و همیشه شیعیان در هر زمان انتظار آن را داشته‌اند که قائم در زمان آنان قیام کند. در روایات انتظار از شیعیان خواسته شده برای آمدن قائم خود را آماده و به گونه‌ای حاضر باشند که هر گاه آن حضرت ظهور کرد بدون معطلی با ایشان همراهی کنند. به طور کلی در تفکر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم تصریح شده است که از جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

کلینی در کتاب کافی چنین روایت می‌کند:

روزی مردی بر حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه‌ای در دست داشت؛ حضرت باقر علیه السلام به او فرمود: این نوشته مناظره کننده‌ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد! همین را خواسته‌ام. پس حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به این که خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول اوست، و این که اقرار کنی به آن چه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و «انتظار قائم ما» که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد. (کلینی، بی تا: ج ۲، ۲۲، ح ۱۳)

نعمانی در الغیبه روایت کرده است:

روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمود: آیا شما را خبر ندهم به آن چه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ آن‌گاه فرمود: گواهی دادن به این که هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و این که

محمد علیه السلام بنده و فرستاده اوست، و اقرار کردن به آن چه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و «انتظار قائم». (نعمانی، بی تا: ۲۰۰، ح ۱۶)

فیض بن مختار از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

هر کس از شما بمیرد، درحالی که منتظر این امر (ظهور مهدی) باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش بوده باشد. سپس چند لحظه ای درنگ کرده و آن گاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه به خدا، همچون کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد. (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۱۲۶)

در روایتی که نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده آمده است:

هر یک از شما باید که برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند. هر چند که یک تیر باشد، که خدای تعالی هرگاه بداند که کسی چنین نیتی دارد، امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد]. (نعمانی، بی تا: ۳۲۰، ح ۱۰)

در روایت دیگری کلینی به سند خود از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می کند:

هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان را خشمگین سازد و او به ما منسوب باشد، خداوند روزیش را فراخ گرداند و شرح صدر به او عطا کند و به آرزویش برساند و یار بر حوایجش باشد. (کلینی، بی تا: ج ۶، ۵۳۵، ح ۱)

انتظار مورد نظر به صورت رسمی خاص در شیعه درآمده و بسیاری برای آن که آمادگی خود را نشان دهند می کوشیده اند به نوعی عمل کنند که این آمادگی به اثبات برسد. بنابراین می توان گفت اعتقاد به ظهور منجی بر زندگی شیعیان و نوع رفتار و کنش آنان اثرات بارزی داشته و آنان پیرو همین باور، برخی مراسمات را برپا می داشتند. در ادامه به بررسی تأثیرات انتظار فرج در جامعه آذربایجان در دوران قبل از صفویه در دو مقطع کلی قبل و بعد از حکومت ایلخانان خواهیم پرداخت.

فرهنگ انتظار در دوران قبل از حکومت ایلخانان

۱. مراسم انتظار فرج در بد

در زمینه برپایی مراسمات مربوط به انتظار فرج در آذربایجان قبل از حکومت ایلخانی،

مدرکی بسیار مهم از آذربایجان وجود دارد که شماری از جغرافی دانان و جهانگردان مسلمان از آن خبر داده‌اند. اهمیت این گزارش‌ها از آن روست که گویا کهن‌ترین یادداشت - به طور کلی - در این زمینه (یعنی انتظار فرج) مربوط به منطقه بزد در آذربایجان است (جعفریان، ۱۳۸۵: ۸۲۷). بزد، نام تاریخی منطقه‌ای در آذربایجان است. امروزه ویرانه‌های قلعه بزد در شرق شهرستان کنونی گلپتَر دیده می‌شود. ابن خردادبه بزد را از رُستاق‌های کوره آذربایجان و از سوی دیگر آن را مدینه بابک خوانده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹م: ۱۲۱). مینورسکی (۱۳۷۵: ۳۰۳) هم بزد را ناحیه‌ای در آذربایجان نامیده‌اند که در جنوب رود ارس واقع شده است. در هر حال ابودلف (۳۴۱ق) می‌نویسد:

در بزمین مکانی به مساحت سه جریب دیدم، می‌گویند این محل اقامتگاه (موقف) مردی است و هرکس در آن جا بایستد و از خدا چیزی بخواهد دعایش مستجاب می‌شود... در این مکان انتظار ظهور مهدی را دارند. در پایین شهر رودخانه بزرگی جاری است و چنان‌چه بیمار مبتلا به تب‌های کهنه در آن شست و شو نماید شفا می‌یابد. (خرزجی، ۱۳۵۴: ۴۷)

یاقوت حموی نیز در ذیل مدخل بزد همین مطالب را - البته نه به نقل از ابودلف - آورده و می‌نویسد:

وفیه یتوقعون المهدی. (حموی، ۱۹۹۰: ج ۱، ۳۶۱)

قزوینی نیز نوشته است:

بزد ولایتی است میانه اران و آذربایجان... و در آن جا جای پایی است که مردم به زیارت آن جا روند و گویند دعا در آن جا مستجاب است و انتظار خروج مهدی علیه السلام را از آن جا کشند و نهری است در آن جا که اگر صاحب تبی به آن غسل کند تبش رفع شود. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۸۹)

نکته قابل توجه در این گزارش‌ها این است که نشان می‌دهند این رسم از قرن چهار تا اواخر قرن هفت هجری در این منطقه استمرار داشته است. این امر نشان دهنده چند نکته است: اول این که در طی این مدت طولانی مردمی با گرایش‌ها و تمایلات شیعی در این منطقه حضور داشته‌اند، دوم این که این مردمان در طی این مدت در برپایی آداب و رسوم خاص خود اصرار داشته و اهتمامی جدی در اجرای آن نموده‌اند، به گونه‌ای که اجرای آن در طول این مدت ادامه یافته است. نکته سوم مربوط به میزان اعتقاد این مردم به امام زمان علیه السلام است. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که این مردم اعتقادی جدی و راسخ به امام عصر داشته و معتقد

بوده‌اند در مکان ظهور او دعاها مستجاب و بیماری‌ها درمان می‌گردند.

۲. نهضت‌های مبتنی بر فرهنگ انتظار

در دوران قبل از ایلخانان، مردم ایران و از جمله آذربایجان، آرزوهای سیاسی خود در رهایی از ظلم حکام را در قیام‌هایی جست‌وجو کرده‌اند که نشانی از فرهنگ انتظار را همراه خود داشت. این نهضت‌ها که واکنش مردم ایران و از جمله آذربایجان در برابر ظلم و ستم حکام وقت بود، در سه دسته قابل بررسی است (برای آگاهی بیشتر درباره این قیام‌ها در ایران، نک: ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۰: ۷-۴۰) که در هر سه نوع می‌توان به گزارش‌هایی درباره آذربایجان نیز اشاره کرد:

الف) دسته اول این نوع قیام‌ها با توسل به اندیشه موعودگرایی شیعه به نام فردی از خاندان پیامبر که مهدی مورد نظر معرفی می‌گشت، آغاز می‌شد. نطفه این دسته از قیام‌ها در عربستان و عراق به خصوص کوفه مرکز شیعیان شکل گرفته و دامنه‌اش به ایران کشیده می‌شد. اولین قیام از این نوع که ایرانیان در آن حضور فعالی داشتند قیام مختار است. در این قیام می‌توان از نقش مردم آذربایجان نیز سخن راند. مؤلف *اخبار الطوال* درباره حضور و یاری مردم نقاط گوناگون ایران و از جمله آذربایجان در قیام مختار می‌نویسد:

مختار از طرف مردم نقاط گوناگون ایران از جمله «آذربایجان» تقویت مالی می‌شد و در سپاه او تعداد زیادی از موالی ایرانی حضور داشتند. (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۴۳)

مختار مناطقی چند از جمله آذربایجان را تحت فرمان خود درآورده و «محمد بن عثمان تمیمی» را بر آذربایجان گماشته بود (همو: ۳۳۷).

گفتنی است مختار برای جلب گروه مخالف بنی‌امیه، به خصوص شیعیان، به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام قیام کرد و سعی کرد ابتدا امام سجاد علیه السلام را به عنوان رهبر معنوی قیامش معرفی نماید و چون پاسخ مثبتی دریافت نکرد، به «محمد بن حنفیه» - پسر علی علیه السلام از مادری حنفی (از قبیله حنفی) - متوسل شد؛ او را امام معرفی کرد و مدعی شد محمد بن حنفیه، «مهدی» و شخص مورد رضایت است. مختار خود را وزیر و امین محمد بن حنفیه می‌دانست (نک: طبری، ۱۳۵۸: ج ۴، ۴۹۳، ۵۴۴). سپاهیان مختار که عموماً رهبری محمد بن حنفیه را پذیرفته بودند، بعد از شکست مختار، همچنان به محمد بن حنفیه وفادار ماندند و پس از مرگش بر غیبت او پای فشردند. ابن قتیبه خبر می‌دهد:

ایشان (رافضیان) می‌گویند که وی (محمد بن حنفیه) در یمن با چهل تن از اصحابش

داخل شکاف کوهی گشته و دیگر اثری از وی دیده نشده است. (ابن قتیبه، ۱۳۸۰:

ج ۲، ۱۴۴-۱۴۵)

ب) قیام‌هایی که در دسته دوم جای می‌گیرند قیام‌هایی هستند که با تکیه بر گفتار پیامبر ﷺ که در آن ویژگی آخرین شخص صالح را معرفی کرده‌اند، صورت گرفته است. در حدیثی از پیامبر که اهل تشیع و تسنن آن را روایت می‌کنند آمده است:

اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی صالح از اهل بیت من را مبعوث گرداند و زمین را چنان که از ظلم و جور پر شده است پر از عدل و داد کند. (طبرسی، ۱۳۵۴: ج ۱۶، ۱۷۲؛ الطبرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۵)

این دسته از قیام‌ها با نام فردی مشخص یا به نام مهدی موعود ﷺ نبود، بلکه با شعار «الرضا من آل محمد» به نام فردی نامشخص که بعد از پیروزی هدایت مردم را بر دست خواهد گرفت، برپا می‌شد. این قیام‌ها با هدف رسیدن به وضع مطلوب اجتماعی و اقتصادی به نام «الرضا من آل محمد ﷺ» و با تکیه بر فرهنگ انتظار شکل می‌گرفت. در زمره این گونه از قیام‌ها نیز می‌توان نشانی از آذربایجان در دوران حکمرانی آل مسافر،^۱ در قرن چهارم هجری، یافت. بعد از مرزبان بن محمد مسافری فرزندش جستان اول ابن مرزبان در ۳۴۶ ق به حکومت آذربایجان رسید. از نکات جالب توجه درباره تحرکات مبتنی بر فرهنگ انتظار در آذربایجان این دوره، قیامی علوی است که در «موقان» با نام «الرضا من آل محمد ﷺ» صورت گرفت. بنا به گزارش ابن اثیر، مردی در آذربایجان ظهور کرد که از اولاد عیسی بن مکتفی بالله بود و به خود لقب «المستجیر بالله» داده و برای رضا از آل محمد ﷺ بیعت گرفت. او دراعه پشمین پوشیده امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود و عده پیروان او فزون گردید. سبب ظهور و قیام او این بود که جستان بن مرزبان امیر آذربایجان سیره و رفتار پدر خود

۱. «مسافریان» یا «سلاریان» دیلمی سلسله‌ای بودند همانند جستانیان و با آن‌ها ارتباط و وابستگی نزدیک داشتند؛ اما خاندانی جدیدتر و ظاهراً پرشورتر بودند و نیروی خود در بیرون از دیلم و نیز در داخل آن به کار انداختند. در آن حال که زیاریان و بوئیان می‌کوشیدند نواحی شمال ایران را در قبضه اقتدار خود داشته باشند و آل بویه جنوب ایران و عراق را نیز در زیر سلطه داشتند، آل مسافر قدرت خود را به سوی مغرب به آذربایجان و حواشی شرقی ارمنستان بسط دادند که زوال سلسله حکمرانان ساجی خلایق در آن جا بر جای گذاشته بود. واژه «مسافر» ظاهراً صورت عربی شده کلمه فارسی اسفار (اسوار) است؛ اما برای این سلسله نام‌های دیگری نیز چون سلاریان (سالار به معنای سردار) و لنگریان (احتمالاً گرفته شده از نام شخص، ضمناً این صورت، محتمل‌تر از کنگریان، نام دیگری برای همین سلسله، به نظر می‌رسد) ذکر شده است. «محمد بن مسافر» اولین عضو این خاندان که نامش در تاریخ آمده است. پس از محمد بن مسافر، خاندان آل مسافر به دو شعبه دیلم و آذربایجان تقسیم شد. آل مسافر به حمایت از تشیع اسماعیلی مشهورند. احتمال دارد آخرین بازماندگان مسافریان توسط اسماعیلیه الموت از میان برداشته شده باشند (نک باسورث، ۱۳۸۱: ۲۹۲-۲۹۴).

را ترک کرده و به عیش نوش و مشورت زنان پرداخت.

بنا به نقل ابن اثیر در این قیام وزیر جستان بن مرزبان با نام «نعیمی» که در این زمان با جستان دچار اختلاف شده بود نیز مشارکت داشت. او که ابتدا توسط جستان بن مرزبان دستگیر شده بود، از محبس او گریخت و قصد موقان کرد و از آن جا با فرزند عیسی بن مکتفی که قیام کرده بود مکاتبه کرد و او را به احراز مقام خلافت تشویق و تشجیع نموده و تعهد هم کرد که رجال و سالاران را به او ملحق کند و آذربایجان را به وی بسپارد و چون نیرومند شود عراق را قصد کند. نعیمی با سیصد مرد به او پیوست و المستحیر قوی گردید و مردم هم با او بیعت کردند و کارش بالا گرفت. اما جستان و ابراهیم دو فرزند مرزبان به قصد او حرکت کردند و چون جنگ واقع شد، اتباع مستحیر گریختند و خود او بنا به گفته ابن اثیر اسیر شد اما معلوم نگردید که او را کشتند یا به مرگ طبیعی مرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ۲۴۴-۲۴۵).

ج) نوع سوم این گونه از این قیام‌ها همزمان با قیام عباسیان یا بلافاصله بعد از خلافت آنان آغاز شد و عموماً از جانب ایرانیان با تفکرات وابسته به ایران پیش از اسلام و در بیشتر موارد با عنایت به اندیشه موعودگرایی اسلام به مهدی موعود ع معطوف بود و عموماً در ایران دیده می‌شود. البته با توجه به آموزه‌های اسلامی و نهادینه شدن برخی از آنها، رهبران این نوع از قیام‌ها و آیین‌ها در نظریات خود تطوراتی مطابق با مقتضیات زمان و مکان لحاظ کرده‌اند. قیام‌های دسته سوم خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: قیام‌هایی که در مخالفت با عباسیان شکل گرفت و قیام‌هایی که به بهانه خون‌خواهی ابومسلم خراسانی آغاز شد. البته وجه مشترک هر دو گروه هدف آنان در تغییر اوضاع با توسل به آیین‌های التقاطی (آیین‌های پیش از اسلام و اسلام) بود که با نشانه‌هایی از فرهنگ انتظار همراه بود. قیام‌هایی که به خون‌خواهی ابومسلم شکل گرفت عموماً با تکیه بر باورهای التقاطی از آیین زرتشتی و دین اسلام بود. در این گونه از قیام‌ها نیز می‌توان به گزارش‌هایی درباره آذربایجان اشاره کرد.

آذربایجان در قرن دوم هجری به منطقه نفوذ عقاید آیین خرمدینی تبدیل شده بود. خُرمَدینان (خُرمَدینیّه)، عنوان گروهی از مخالفان عباسیان، به ویژه پس از کشته شدن ابومسلم خراسانی در سده دوم، در سرزمین‌های غربی و شمال غربی ایران و مخصوصاً آذربایجان است. خُرمیان در واقع، فرقه‌ای با نام‌های مُخَمَّره، جاودانیه، بابکویه و مازیاریه بودند (عاطف سلام، ۱۹۶۸: ۵۰ - ۵۱). در بیشتر منابع، کلیه فرقه‌های مزدکی - خُرمی با نام مشترک، گاه مزدکی (نک: همدانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) و گاه خُرمی (نک: اسفراینی، ۱۴۰۸: ۱۲۱) نامیده شده‌اند. برخی اصل خُرمَدینان را به روشنی به مزدک رسانده‌اند (نک: ابن حزم، ۱۹۷۷:

ج ۱، ۸۷؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ج ۱، ۲۱۲). گروه‌های خرم دینی در مورد ظهور منجی دو گونه اعتقاد داشتند: به نوشته مسعودی، با کشته شدن ابومسلم خراسانی گروهی بر آن بودند که ابومسلم نمرده و نمی‌میرد، بلکه دوباره ظاهر می‌شود و جهان را پراز عدل و داد می‌کند و فرقه‌ای دیگر مرگ او را حق شمرده و به امامت دخترش فاطمه قائل شدند (مسعودی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۹۷). فاطمیه بر این عقیده بودند که از نسل او مردی بیرون می‌آید که شاهی را از آل عباس می‌ستاند (صدیقی، ۱۳۷۲: ۲۵۵ - ۲۵۶). این عقیده بیان‌گر اعتقاد آنان به ظهور منجی از خاندان ابومسلم است (نک: شهرستانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۳۶؛ همدانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹ - ۱۵۰). به نظر می‌رسد خرم دینان عقیده مهدویت را از گروه‌های غالی شیعه اخذ کرده باشند (نک: صدیقی، ۱۳۷۲: ۲۵۶ و ۳۱۴).

فرهنگ انتظار در دوران بعد از حکومت ایلخانان

در دوره بعد از ایلخانان که با عدم ثبات سیاسی و جنگ‌های بی وقفه بین حکمرانان رقیب همراه بود و در ادامه آن بخش بزرگی از شهرهای ایران هم در اثر فتوحات تیمور ویران شده و سبب هرج و مرج و آشفتگی عامه مردم گردید، اعتقاد به این اندیشه که در هزاره، مصلح کامل ظهور خواهد کرد و نظم و آرامش را به قلمرو تجزیه شده اسلامی بازخواهد گرداند افزایش یافت (هالم، ۱۳۸۵: ۱۴۵). طولی نکشید که مدعیانی به صحنه آمدند و ادعا کردند امام دوازدهم یا تجسم دوباره او هستند. برای آنها ادعای سهیم بودن در الوهیت خود امامان امری عادی بود و این کار آنها را در نظر امامیه اشخاص افراطی (غالی) جلوه گر می‌کرد. در گزارش‌های تاریخی نمونه‌هایی از این امر در جامعه آذربایجان دوران بعد از ایلخانی مشاهده می‌شود.

۱. فضل الله استرآبادی و جریان حروفیه

از نخستین متمه‌دیان این دوره، فضل الله استرآبادی بود که در سال ۷۷۸ ق در تبریز ادعا کرد که رسالت یافته مردم را هدایت کند و بدین ترتیب آذربایجان به مرکزیت تبریز، کانون و محل آشکار شدن آیین فضل الله استرآبادی و برای پیروان فضل الله نیز سرزمین مقدس و رستاخیز آیین جدید شد، سرزمینی که مقتل فضل الله شد و بعدها نیز قیام‌هایی از سوی پیروانش در آن جا انجام گرفت. در واقع شیخ فضل الله در مسافرت‌های خود در پی محل مناسبی برای نشر و توسعه آیین خود بود و آذربایجان را برای این امر مناسب تشخیص داد. در آثار حروفیه نیز مصرح است که فضل الله استرآبادی نخستین بار دین خود را در ۷۷۵ یا ۷۷۸ قمری در تبریز در کوی ولیّ دولت آشکار کرده است. او سرانجام به وسیله میرانشاه تیموری

دستگیر و در قلعه النجق نخجوان زندانی شد تا این که در ۵۶ سالگی و در سال ۷۹۶ ق به قتل رسید (گلیپنارلی، ۱۳۷۴: ۷، ۱۱؛ آژند، ۱۳۶۹: ۵). فضل الله با شناخت امامت به خصوص از حضرت علی علیه السلام تا امام یازدهم و اعتقاد به غیبت مهدی و ظهور او به گونه ای شدید تحت تأثیر تشیع امامی بود. با وجود این نباید فراموش نمود که چون ممکن نبود شیعه امامیه - که معتقد بودند امام دوازدهم تولد یافته و پس از غیبت صغرا، غیبت کبرا کرده و اگر زمانش رسد به اذن الهی ظهور خواهد کرد - فضل الله را به عنوان مهدی بپذیرند، حروفیه با شیعه به مخالفت برخاستند (نک: گلیپنارلی، ۱۳۷۴: ۲۳). گفته شده حروفیه فضل الله حروفی را «مهدی» می دانستند (نک: کیا، ۱۳۳۰: ۳۱۲؛ گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۲۲ - ۲۳).

به اعتقاد حروفیان، گردش کائنات بر اساس سه مرحله بنیان گذاشته شده است: نبوت، امامت و الوهیت. نبوت با حضرت آدم شروع و به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتمه می یابد و به اوج خود می رسد. دوران امامت با حضرت علی علیه السلام آغاز و به امام حسن عسکری علیه السلام خاتمه می یابد. دوران الوهیت با ظهور فضل الله که بنا به اعتقاد خودش «مهدی» است شروع می شود. (آژند، ۱۳۶۹: ۵۷) حروفیان معتقدند مسیحی که یهودیان انتظار ظهورش را دارند، عیسایی که مسیحیان انتظار نزولش از آسمان ها را می کشند و مهدی ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله مژده آمدنش را داده، همان فضل الله حروفی است. بنابراین دوران مژده های پیامبران به سر آمده و دنیا به آخر رسیده است (همو: ۵۸).

فضل الله در آموزه های خود ویژگی های عربی - علوی اسلامی را با روح تأویل گر ایرانی درآمیخت و در کسوت «مهدی علوی» ظاهر شد تا در درجه اول قوم خود را از زیر یوغ استیلای مغول و تاتار برهاند. ادعای مهدویت او این تصور را پشت سر خود گذاشت که وی برای برکندن بنیاد ستم و گستراندن بساط عدالت به پا خاسته تا انسان ها را (در درجه اول ایرانیان) از قید بیداد اشغال گران بیگانه آزاد سازد. یکی از موارد تضاد بین حروفیان و حکومتیان زمانه یعنی تیموریان، همین بود (همو: ۶۱ - ۶۲).

۲. رواج فرهنگ انتظار در دوران ترکمانان

منابع تاریخی از دوران ترکمانان نیز گزارشی داده اند که حاکی از بروز و ظهور عقاید مبتنی بر انتظار فرج در بین عامه مردم است. در سال ۸۹۱ قمری شخصی از سپاهیان آق قویونلو خود را مهدی پنداشت و در همه جا حرکت می کرد و همه را با عبارت ترکی «محمد صلووات، محمد صلووات» امر به صلوات می داد. او به دستور سلطان آق قویونلو کشته شد. در این هنگام درویش شخصی به نام سراج الدین قاسم با جمعی از اکابر و اشراف به خانه مهدی رفت و او را

تجهیز و کفن کردند و تابوت او را به انواع لباس‌ها آراستند و با حافظان و مقربان، صلوات‌گویان از میان بازار و کوچه گذراندند. در این حال از درویش قاسم نقل شده است که گفت: «کواز برای من این طور مرگی؟»

در هر حال مهدی را دفن کردند و چون از حوالی خانه پادشاه گذشتند، او فریاد و غوغا را شنید و علت را پرسید. بدخواهان می‌گویند علت این فتنه و آشوب درویش قاسم است که از کسی که پادشاه بر او غضب کرده احترام می‌کند. شاه به طلب درویش قاسم می‌فرستد و او را گرفته و نزد سلطان می‌آورند. سلطان در حالت مستی به او زخم می‌زند و ملازمان نیز شمشیر کشیده و او را می‌کشند (ابن کربلایی، ۱۳۴۴: ج ۱، ۹۲-۹۵). احترام درویش قاسم و عامه مردم به مهدی، ادعایی که در دفن پر غوغای او آشکار است و در نهایت سبب قتل درویش قاسم نیز می‌شود خود از نشانه‌های رواج گسترده عقاید مهدویت در بین عامه مردم آذربایجان در دوره ترکمانان است. سال وقوع رویداد ذکر شده (۸۹۱ ق) همزمان با حکومت یعقوب بن اوزون حسن آق قویونلو (۸۸۳-۸۹۶ ق) است (نک: باسورث، ۱۳۸۱: ۵۲۵).

۳. فرهنگ انتظار و جنبش صفویان

نکته دیگر که نشان‌دهنده رواج عقاید مربوط به ظهور مهدی علیه السلام در آذربایجان دوران بعد از ایلخانان است، گزارش‌های مربوط به بهره‌برداری از این مفهوم در حرکات صفویان، برای دستیابی به قدرت سیاسی، در اواخر قرن نهم قمری است. جنبش صفوی از دوران جنید شروع به همانندسازی شیخ خود با امام مهدی یا به عبارتی طلایه‌دار امام دوازدهم کردند. مطابق برخی گزارش‌ها در آن موقع شایعاتی انتشار داشت که دولت موعود علویان در آخرازمان به رهبری جنید صفوی برپا خواهد شد و جنید در رکاب مهدی علیه السلام خواهد جنگید (تاریخ شاه اسماعیل، ورقه ۱۱ ب و ۱۲ ب، به نقل از شیخی، ۱۳۷۴: ۳۸۰). در تحلیل علت خروج و قیام اسماعیل میرزا از گیلان نیز تاریخ‌نگاری عصر صفوی تحت تأثیر اندیشه‌های موعودگرایی است (آرام، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۶۰). در راستای همین اندیشه، اکثر تواریخ رسمی عصر صفوی آورده‌اند که او در سال ۹۰۵ قمری از طرف امام زمان علیه السلام به عنوان نایب برحق او انتخاب شد تا کاخ کفر و ریشه ظلم و ستم ظالمان این مرز و بوم را از بیخ و بن برکند. برخی حتی ریشه این مهدویت‌گرایی را به پیش‌گویی شیخ زاهد گیلانی نسبت می‌دهند که از ترقی اولاد شیخ صفی تا زمان مهدی موعود علیه السلام خبر داده بود (بیجن، ۱۹۸۶: ۲۰). بدین‌گونه است که اسماعیل صفوی موفق‌ترین مهدی (یا نماینده مهدی) معرفی شده که در شمال غرب ایران خود را معرفی کرد. تبلیغات او نشان‌دهنده تمام ویژگی‌های شیعه آن دوران است که عبارت‌اند از

وابستگی نزدیک به تصوف، گرایش به حکومت نظامی از نوع درویشی و انتظار ظهور و حکومت مهدی (هالم، ۱۳۸۵: ۱۵۰؛ همچنین نک: شیبی، ۱۳۷۴: ۳۸۸).

نتیجه‌گیری

۱. فرهنگ «انتظار فرج» از معدود مؤلفه‌های آداب و رسوم شیعیان است که دارای مصادیق به نسبت زیادی هم در دوران قبل از ایلخانان و هم در دوران بعد از آن، در آذربایجان است. مظاهر فرهنگ انتظار از قرن سوم تا اوایل قرن دهم قمری به اشکال و صورت‌های گوناگون آن، در آذربایجان دیده می‌شود.

۲. گزارش‌های مربوط به رواج فرهنگ انتظار در آذربایجان قبل از صفویه همگی حکایت از این امر دارند که به سبب راه یافتن اعتقادات مبتنی بر ظهور مهدی در اذهان عامه مردم آذربایجان از قرون اولیه اسلامی تا تأسیس دولت صفوی، حرکت‌های مبتنی بر این اعتقاد در آذربایجان همواره از سوی عامه مردم با استقبال مواجه می‌شده‌اند.

۳. رواج و گسترش فرهنگ انتظار در قالب‌های گوناگون آن در آذربایجان پیش از صفویان افزون بر این که بیان‌گر وجود رسمی خاص از آداب و رسوم شیعیان در آذربایجان است، همچنین نشان‌گر اوضاع و احوال سخت و طاقت‌فرسای موجود در آذربایجان برای شیعیان و گروه‌های وابسته به ایشان نیز هست؛ زیرا این امر علاوه بر جنبه اعتقادی نشان‌گر وجود زمینه مناسب برای بهره‌برداری از این مفهوم برای رهایی از ظلم و ستم حکام جور زمانه نیز بوده است.

۴. به سبب این که تمامی مردم آذربایجان اعم از شیعه و سنی در دوران‌های گوناگون در معرض این گونه ستم‌های حکام بوده‌اند، می‌توان احتمال داد این جنبه خاص از آداب و رسوم شیعیان در بین اهل سنت هم مجالی برای بروز و ظهور یافته و از مجاری نفوذ عقاید شیعی در بین آنها و در پی آن ایجاد دگرگونی‌های فرهنگی مد نظر شیعیان در جامعه سنی مسلک آذربایجان نیز گشته و در نهایت به یکی از عوامل رسمیت تشیع در آذربایجان در اوایل قرن دهم هجری مبدل شده است.

منابع

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶ش)، *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، تهران، امیرکبیر.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۹ش) *حروفیه در تاریخ*، تهران، نشر نی.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱ش)، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۲۰ش)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح: عباس اقبال، تهران، کتابخانه خاور.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۹۷۷م)، *الفصل فی الملل والاهواء والنحل*، بیروت، چاپ محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمن عمیره.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۸۸۹م)، *المسالك والممالك*، بیروت، دارصادر، افست لیدن.
- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۰ش)، *امامت و سیاست (تاریخ الخلفاء)*، ترجمه: ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.
- ابن کربلایی، حسین (۱۳۴۴ش)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، مقدمه و تکمله و تصحیح و تعلیق: جعفر سلطان القرایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسفراینی، شهنشاه بن طاهر (۱۴۰۸ق)، *التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین*، بیروت، چاپ محمدزاهد کوثری.
- انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، نشر سخن.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۸۱ش)، *سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۶ش)، *مکتب آنال؛ جامعیت فکر تاریخ‌نگاری*، شیراز، انتشارات نوید.
- بیجن (۱۹۸۶م)، *جهان‌گشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)*، مقدمه و پیوست‌ها: الله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۰ش)، «تجلی فرهنگ انتظار در قیام‌های دو قرن اول هجری در ایران»، فصل‌نامه *شیعه‌شناسی*، ش ۳۳، قم، بنیاد فرهنگی اهل بیت علیهم‌السلام.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵ش)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، قم، انصاریان.
- خزرجی، ابودلف مسعر بن مهلهل (۱۳۵۴ش)، *سفرنامه ابودلف در ایران*، تعلیق و تحقیق: ولادیمیر مینورسکی، ترجمه: ابوالفضل طباطبایی، تهران، بی‌نا.

- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۸۳ش)، *اخبار الطوال*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۶ش)، «پیدایش تاریخ اجتماعی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۱۲، تهران، خانه کتاب.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۷ق)، *الملل والنحل*، قاهره، چاپ محمد سیدکیلانی.
- شیخی، کامل مصطفی (۱۳۷۴ش) *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه: علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲ش)، *جنبش های دینی ایرانی در قرن های دوم و سوم هجری*، تهران، پاژنگ.
- الطبرانی (۱۴۱۵ق)، *المعجم الاوسط*، بی جا، دارالحرمین.
- طبرسی، ابوعلی بن الحسن (۱۳۵۴ش)، *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه: احمد بهشتی، تهران، مؤسسه فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، قاهره، بی نا.
- عاطف سلّام، عبدالمحسن (۱۹۶۸م)، *ابحاث فی الادب العربی: الثورة البابیة و اثرها فی الادب العربی*، قاهره، بی نا.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳ش)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات: جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل: میرهاشم محدث، تهران، امیر کبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، *الکافی*، بی جا، بی نا.
- کیا، محمدصادق (۱۳۳۰ش)، *واژه نامه گرگانی*، تهران، بی نا.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴ش)، *فهرست متون حرفیه*، ترجمه: توفیق هـ. سبحانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: گروهی از مترجمان، تهران، انتشارات مازیار، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، *بحار الانوار*، بی جا، بی نا.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۷ش)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ (۱۳۷۵ش)، *تاریخ شروان و دریند*، ترجمه: محسن خادم، تهران، بی نا.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (بی تا)، *کتاب النبیة*، بی جا، بی نا.

- هالم، هاينس (۱۳۸۵ش)، تشيع، قم، نشر اديان .
- همدانى، رشيدالدين فضل الله (۱۳۸۷ش)، جامع التواريخ: تاريخ اسماعيليان، تصحيح: محمد روشن، تهران، ميراث مكتوب، مؤسسه مطالعات اسماعيليه .
- حموى، ياقوت بن عبدالله (۱۹۹۰م)، معجم البلدان، تصحيح: فريد عبدالعزيز الجندى، بيروت، دارالكتب العلمية .

